از هراره تا تهران – ۱۲

طی نامه‌ای به رئیس عدم تعهد در سال ۱۳۶۵ صورت گرفت

اعلام انزجار مردم عراق از تجاوز صدام به خاک ایران

سه‌شنبه، ۱۱ شهریور ۱۳۶۵

تازه آفتاب درحال طلوع است که آقای خامنه‌ای و همراهانشان به حیاط ویلا می‌آیند. آقای خامنه‌ای طبق عادت شروع می‌کنند به پیاده‌روی تند. بقیه هم همراه با مهندس میرسلیم نرمش می‌کنند. آقای میرسلیم خودش ورزشکار است و معمولاً در سفرها ورزش صبحگاهی را برقرار می‌کند. بعد از نرمش، صبحانه می‌خورند و آماده می‌شوند تا برای روز دوم به سالن اجلاس بروند.

امروز مهم‌ترین روز این سفر برای گروه ایرانی است؛ روزی که قرار است آقای خامنه‌ای به‌عنوان رئیس‌جمهور ایران، برای اولین بار در یک اجلاس بین‌المللی سخنرانی کنند. تمام ایرانیانِ آمده به هراره، بارها خطبه‌های ایشان را در نماز جمعهٔ تهران شنیده‌اند و امروز منتظرند تا آن بیان گرم و محکم و جذاب و پرنفوذ را در میان نمایندگان حدود صد کشور جهان در جنوب قارهٔ آفریقا بشنوند. متن اصلی سخنرانی، پیش از سفر آماده شده است. چندین روز قبل از سفر، آقای خامنه‌ای بعد از مشورت‌ها و گرفتن نظرات، متن سخنرانی را تنظیم، و بعد، از منظرهای مختلف بازخوانی و اصلاح می‌کنند. کار متن تمام نشده بود که حاج احمد آقا تماس گرفتند و گفتند که امام می‌خواهند زودتر آقای خامنه‌ای را ببینند. این نوع پیگیری از طرف امام معمول و عادی نبود و معلوم بود این اجلاس و حضور آقای خامنه‌ای در آن، برای امام خیلی اهمیت دارد.

آقای خامنه‌ای همراه با متن نطق، خدمت امام می‌رسند. این دیدارهای خصوصی خیلی لذت‌بخش هستند؛ زانو به زانوی امام نشستن، دستشان را سر فرصت بوسیدن و جمالِ چهره‌شان را از نزدیک زیارت کردن. تیم حفاظت آقای خامنه‌ای هم همراه ایشان وارد شده‌اند و توفیق پیدا می‌کنند که دست امام را ببوسند. آقای خامنه‌ای به بقیهٔ تیم حفاظت هم که آن‌وقت نوبتشان نبود، گفته‌اند به جماران بیایند تا قبل از سفر به هراره، امام را ببینند. امام متن را می‌گیرند تا بخوانند و سفارش‌ها و صحبت‌هایی هم بین استاد و شاگرد رد و بدل می‌شود.

متن خیلی زود از طرف امام برگشت. امام ریزبه‌ریزِ متن را خوانده و در جاهایی هم نظر داده بودند. آقای خامنه‌ای با توجه به نکات حضرت امام، آخرین اصلاحات متن را انجام می‌دهند تا با خود به هراره ببرند. حالا دیگر این صفحات، از محکم‌ترین و ارزشمندترین متون صادره از طرف انقلاب اسلامی است که قرار است با لحن کوبنده و گرم امام جمعهٔ ام‌القرای اسلام ناب محمدی، بر سر ظالمان جهان کوبیده شود و دل مستضعفان را گرم کند.

متن ۳۵ صفحه‌ای اصلی حاضر بود؛ اما یکی، دو صفحه، شب قبل به آن اضافه شد. جواب حرف‌های عرفات باید در همین اجلاس داده شود.

ماشین‌های تشریفات، با تیم اسکورت جلوی در منتظر هستند. آقای خامنه‌ای و همراهانشان، به‌سمتِ سالن اجلاس حرکت می‌کنند.

امروز در خیابانِ عریض منتهی به سالن، خبری از کودکان استقبال‌کننده نیست؛ در عوض درختان مرتب و بلندِ استوایی از مهمان‌ها استقبال می‌کنند. در هر صد متر، یک نیروی پلیس خبردار ایستاده است که هنگام عبور کاروان ماشین‌ها و تیم‌های اسکورت، احترام نظامی می‌گذارد. لباس‌های یشمی این نیروها، در کنار آن درخت‌ها، نمایی تمام‌رخ از آفریقای سیاه را به تصویر می‌کشد. افسران عالی‌رتبه، کت و شلوار کرم با کروات تیره به تن دارند. روشنی لباسِ آنها، رنگ پوستشان را تیره‌تر نشان می‌دهد. بعضاً در میان این افسران، افراد سفیدپوست هم دیده می‌شود. کلاً در نگاه به روابط سفیدپوستان و سیاه‌پوستان، ناظر بیرونی، ناخودآگاه احساس دافعه‌ای نسبت به سفیدپوستان زیمبابوه دارد و بعضی رفتارهای تحقیرآمیز آنها نیز معمولاً این احساس را تأیید می‌کند. فقط در میان کودکانِ خردسال است که سیاه و سفید کاملاً یکسان با هم بازی می‌کنند. و این صحنه‌ای است که مقامات عالی‌رتبهٔ کشورهای غیرمتعهد از دیدن آن محرومند، مگر اینکه خبرنگار و عکاسی از این‌طرف و آن‌طرف شهر برایشان خبر و توصیفی بیاورد.

***در جریان عملیات کربلای دو، در منطقهٔ حاج عمران، تیپ نُه بدر شرکت کرده بودند و با نیروهای بعثی عراق جنگیده بودند. تیپ نُه بدر با بقیهٔ نیروهای سپاه فرق می‌کند؛ تمام نیروهای این تیپ عراقی هستند!**

تصویری از مجاهدان عراقی گردان بدر. این گردان در سالهای جنگ تحمیلی از مجاهدان عراقی تشکیل شده بود که همراه با برادران ایرانی خود با رژیم بعث می جنگیدند.

با نزدیک‌تر شدن به سالن اجلاس، تعداد نیروهای امنیتی و پلیس بیشتر می‌شود. سالن اجلاس توسط مهندسان و معماران یوگسلاوی ساخته شده است. هر چقدر در فضای بیرون این ساختمان، آفریقا خودنمایی می‌کند، خودِ ساختمان اجلاس و داخل آن، تفاوتی با ساختمان‌های مشابه غربی ندارد. نماها اکثراً از سنگ‌های گرانیت با رنگ‌های متفاوت است.

جایگاه رئیسِ و هیئت رئیسه، میزی کشیده با پنج صندلی است که جلوی آن را کاملاً با گل و گیاه پوشانده‌اند؛ جلوی جایگاه و در سمت چپ، تریبون سخنرانی است و پشت سر آنها، پرچم کشورهای عضو؛ و بر دیوار، طرحی آفریقایی با رنگ سورمه‌ایِ سیر دارد که بالای آن آرم اجلاس هشتم، نصب شده است. در میان سالن هم چند نقطه‌ای گل‌کاری شده است. همهٔ گل‌ها و گیاه‌ها، آفریقایی و مشخصاً پر رنگ هستند.

آقای خامنه‌ای در میان حلقه‌ای از محافظان وارد ساختمان می‌شوند. مانند دیروز، پاسدارها تا درِ سالن اصلی می‌آیند و از آنجا به جایگاه خودشان می‌روند. نیروهای امنیتی زیمبابوه خیالشان نسبتاً راحت شده است که درگیریِ خاصی بین محافظان ایرانی و بعثی اتفاق نمی‌افتد.

امروز صبح، خبری در ایران پخش شده که هنوز آن‌چنان در زیمبابوه منتشر نشده است؛ مسلمانان عراقیِ ساکن سوریه، برای موگابه تلگرام فرستاده‌اند:

*** نامه مردم عراق به ریاست جنبش عدم تعهد: رژیم بعثی صدام، بدون هیچ حقی، به کشور مسلمان ایران حمله و تجاوز کرده است که ما از این عمل اعلام انزجار و بیزاری می‌کنیم. علاوه بر این، رژیم صدام در داخل کشور نیز ظلم‌های فراوانی به مردم مظلوم عراق کرده است.**

«ریاست محترم کنفرانس هشتم عدم‌تعهد، ما مردم عراق که در اثر ظلم‌ها و خشونت‌های رژیم دیکتاتور صدام، از کشور خود رانده شده‌ایم، از شما درخواست می‌کنیم رژیم بعث عراق را از جنبش عدم‌تعهد اخراج کنید و نمایندگی مردم عراق در جنبش را به مجلس اعلای انقلاب اسلامیِ عراق واگذار کنید. رژیم بعثی صدام، بدون هیچ حقی، به کشور مسلمانِ ایران حمله و تجاوز کرده است که ما از این عمل اعلام انزجار و بیزاری می‌کنیم. علاوه بر این، رژیم صدام در داخل کشور نیز ظلم‌های فراوانی به مردم مظلوم عراق کرده است. اعدام هزاران تن از اقوام مختلف، زندانی و شکنجه و اخراج کردن تعداد فراوانی از مردم و توقیف اموال آنها، بخشی از ظلم و ستم بعثی‌ها در حق مردم عراق است. در همین ساعت، بیش از نیم‌میلیون نفر از مردم توسط مأموران بعثی زندانی شده‌اند که از سرنوشت آنها خبری در دست نیست. بی‌شک، چنین رژیم سفاکی، حق عضویت در آن نهادِ عدالت‌خواه و صلح‌طلب را ندارد. با تشکر، عراقی‌های ساکن سوریه.»

روزگذشته در جریان عملیات کربلای دو، در منطقهٔ حاج عمران، تیپ نُه بدر شرکت کرده بودند و با نیروهای بعثی عراق جنگیده بودند. تیپ نُه بدر با بقیهٔ نیروهای سپاه فرق می‌کند؛ تمام نیروهای این تیپ عراقی هستند!

آن شب سه گردان از مجاهدان عراقی، که یا از عراق اخراج شده یا فرار کرده بودند، با یک گردان از اسرای عراقی داوطلب، به‌طرف کشور خودشان حمله کرده بودند، به امید روزی که عراق را از دست این کفار بعثی نجات دهند. این اتفاق می‌توانست تمام واقعیت جنگ تحمیلی را نشان دهد؛ جنگ را یک دیوانه، با حمایت و سفارش دشمنان اسلام، بر ایران و ملت خودش تحمیل کرده بود. خیلی از اسرای عراقی، به زور اعزام شده بودند و اغلبشان در فرصتی که دست می‌داد، خودشان را اسیر می‌کردند تا با برادران ایرانی‌شان نجنگند. روحیهٔ این رزمندگان غریب در شب عملیات دیدنی بود؛ به یاد سال‌های گذشته و سینه‌زنی‌هایشان در کربلا و حرم امام حسین، نوحه می‌خواندند و سینه می‌زدند و اشک می‌ریختند، آن شب، خلوص و غربت این رزمنده‌ها در اوج بود.

وقتی‌که قبل از گذشتن از میدان موانع، مجبور به درگیری شدند، چهار، پنج نفر از مجاهدان عراقی خودشان را روی میدان مین و سیم‌خاردار انداختند تا بقیه از روی پیکرشان عبور کنند و جلو بروند.

اینها واقعیت‌هایی است که همین شبِ قبل، در جبهه‌های ایران اتفاق افتاده؛ اما هیچ‌کدام از سران جنبش عدم‌تعهد آنها را باور ندارند. مردم دنیا در چنبرهٔ اطلاعاتی رسانه‌های غربی و وابسته، تصوری بسیار متفاوت از جنگ دارند و حتی خیلی‌ها باور کرده‌اند که ایران آغازگر جنگ است تا کشورگشایی کند و رئیس کشورهای اسلامی شود! جلسهٔ امروز اجلاس یک فرصت محدود و کم‌تکرار برای رساندن حرف انقلاب اسلامی و صدای مظلومیت مردم مسلمان به گوش‌های هنوز شنوا است.

آقای خامنه‌ای با همراهانشان وارد سالن می‌شوند. گوشهٔ ردیفِ اولِ صندلی‌ها، نام جمهوری اسلامی ایران به زبان انگلیسی روی میز قرارَ دارد.

آقای خامنه‌ای ضمن خوش‌وبش و سلام‌وعلیک با برخی سران، به آن سمت می‌روند و روی صندلی اول می‌نشینند. «ضیاءالحق» رئیس‌جمهور پاکستان که میزش عمود به میز ایشان است، به احترام بلند می‌شود، آقای خامنه‌ای هم بلند می‌شوند، سلام می‌کنند و دست می‌دهند. چند دقیقه بعد موگابه جلسه را آغاز می‌کند.

خاطرات
مرضیه حدیدچی (دباغ) – قسمت پایانی

سازش ناپذیری با دشمن ویژگی بارز خانم دباغ بود

*** یکی از ویژگی‌های بارز خانم دباغ در زندان رازداری و کتمان‌کاری او بود. طوری که اول همه فکر می‌کردند او یک زن عامی خانه‌دار است و او را اشتباه گرفته‌اند.**

مرحومه مرضیه حدیدچی (دباغ) در برابر سخت‌ترین شکنجه‌های جسمی و روحی ساواک در زندان مقاومت کرد به گونه‌ای که تمام بدنش بر اثر شکنجه‌ها عفونی شد و عوارض آنها را تا پایان عمر با خویشتن همراه داشت. روحش شاد و یادش گرامی.

کسی در آن‌جا به نام ویدا حاجبی که پسر چهارده ساله‌ای داشت، می‌خواست مهر و عاطفه مادریش را به من نشان دهد، مرا به جای فرزند خودش می‌پنداشت و چنان محبتی می‌کرد که گویی به پسرش می‌کرد، و این گونه خلأ عاطفی خود را جبران می‌کرد. همین طور عاطفه گل سرخی (همسر گل سرخی) که بچه‌ای به سن و سال من داشت، او هم مهر و محبت مادریش را نسبت به من اعمال می‌کرد. من ریزنقش بودم، ۳۵ کیلو بیشتر نبودم. و با اعتمادی که به خودم داشتم از برخورد و رابطه با آن‌ها فرار نمی‌کردم. فکر می‌کردم آن‌قدر چشم و دل و ذهنم باز است، که تحت تأثیر آن‌ها قرار نگیرم؛ بلکه تأثیر هم بگذارم. خانم دباغ خیلی نگران بود و به حدی که وقتی شب آخر می‌خواست آزاد شود، ما همه برای خداحافظی کنار تخت‌هایمان ایستاده بودیم، پس از این که به صحبت‌های او گوش کردیم، هنگام روبوسی با همه، وقتی نوبت به من رسید مرا بوسید و در گوشم گفت: حواست به این بچه‌ها (چپی‌ها) باشد. نکند یک وقت روی تو اثر بگذارند و بعد خداحافظی کرد و رفت. من همان جا تکانی خوردم، احساس کردم نگرانی خانم دباغ جدی است، با همین هشدار خیلی به جا و آینده‌نگری ایشان بود که من در همه حال مراقب خود شدم، و مطلب او را آویزه گوشم کردم، و به فضل خدا از کنار پرتگاه‌ها به سلامت گذشتم. دیگر بعد از آن روز مهر و محبت آن‌ها برایم رنگ عاطفی‌اش را باخت.

یک روز خانم دباغ مشکلی پیدا کرد که نمی‌دانم بعد از زندان هم ادامه یافت یا نه. به حالتی شبیه صرع دچار شده بود، دست‌هایش کیپ شد، پاهایش به صورت پیچ در می‌آمد، چشم‌هایش حالتی پیدا کرد، وسط اتاق افتاده بود خرخر می‌کرد. خیلی زجر می‌کشید، رضوانه کنار او بود و می‌گفت هیچ کاری بهش نداشته باشید بعد از دقایقی خوب می‌شود. من که این صحنه را دیده بودم گریه می‌کردم و می‌گفتم: وای! چرا خانم دباغ این طوری شد. رضوانه می‌گفت: من کنارش بودم که این طوری شد، ناراحت نباش به حالت اولش برمی‌گردد این وضع گذراست. گمانم این است که این عارضه نتیجه آن شکنجه‌ها در کمیته مشترک بود.

یکی از ویژگی‌های بارز خانم دباغ در زندان رازداری و کتمان‌کاری او بود. طوری که اول همه فکر می‌کردند او یک زن عامی خانه‌دار است و او را اشتباه گرفته‌اند و ما حتی بعدها فهمیدیم که او با شهید آیت‌الله سعیدی بوده، و در کلاس او حاضر می‌شده است. او اصلاً درباره تشکیلاتشان، افراد مرتبطشان و کلاً پرونده‌اش حرفی نمی‌زد. در همان آغاز هم به ذهن بازجوها و زندانی‌ها جا انداخته بود که بی‌سواد است. ولی واقعاً او زنی مبارز بود که قاطعیت، مدیریت و جذبه‌اش از روح بزرگش سرچشمه می‌گرفت.

یک بار پس از رفتن خانم دباغ همه جا را سم‌پاشی کردند، و برای تنبیه درها را هم به روی زندانیان بستند، بچه‌ها به بد وضعی افتادند و تقریباً مسمومیت پیدا کردند، یکی از آن‌ها به نام شهلا بدنش پرپر می‌زد. دیده‌اید که ماهی در خشکی چطور می‌پرد، او هم وضعیت ماهی افتاده در خشکی را داشت. تنها کسی که خیلی مقاوم بود و طوریش نشد خانم نصری بود که زن خیلی درشت اندامی بود، خیلی قوی بنیه بود و در این میان سلامت ماند. بچه‌ها آن قدر جیغ زدند، داد کشیدند و به در زدند که خود نگهبان‌ها دلشان سوخت، و رفتند از رئیس زندان خواستند که درها را باز کنند. وقتی درها باز شد همه استفراغ می‌کردند و در تشنج بودند، یادم هست خانم نصری زیر بغل بچه‌ها را می‌گرفت و آن‌ها را به طرف حیاط می‌کشید. من در آن میان خدا را شکر می‌کردم و می‌گفتم که چقدر خوب شد که خانم دباغ نبود. یادم هست به خانم خیر گفتم: اگر خانم دباغ این جا بود چقدر حالش بد می‌شد. این بار با نگرانی خاصی می‌گفتم.

نماز شب‌های خانم دباغ، روزه گرفتن‌هایش، سازش ناپذیری او با چپی‌ها، حجابش، قاطعیت و مدیریتش چیزهایی است که از آن دوران برای من خاطره شده است.

رضوانه خانم هم که همان خانمی خودش را داشت، متانت و صبوری از خود نشان می‌داد، و الحق که دختر چنین زنی بود؛ ولی من خیلی شلوغ و شیطان بودم و شیطنتم زبانزد بود.

*** یک بار مأموران رژیم شاه همه جا را سم‌پاشی کردند، و برای تنبیه درها را هم به روی زندانیان بستند، بچه‌ها به بد وضعی افتادند و تقریباً مسمومیت پیدا کردند.**

***

*** نماز شب‌های خانم دباغ، روزه گرفتن‌هایش، سازش ناپذیری او با چپی‌ها، حجابش، قاطعیت‌ومدیریتش چیزهایی است که‌از آن‌دوران‌برای‌هم‌بندی‌های‌او‌خاطره‌شده‌است.**

صفحه پاورقی

روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود

تلفن: ۳۵۲۰۲۱۱۳ Research@kayhan.ir

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به اینکه در اجرای قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۳۳۹–۱۳۹۶ مورخ ۹۶/۲/۲ تصرفات آقای داود زبیدی شماره شناسنامه ۸۹۹ صادره از رامهرمز فرزند لفیطه دارای کد ملی شماره ۱۹۱۰۵۷۷۷۲۳ نسبت به یک باب ساختمان به مساحت ۱۹۸/۹۲ مترمربع در قسمتی از ششدانگ پلاک ۲۶۹۲/۱۸ واقع در بخش دو اهواز اخبار خروجی به نام علی حاتمی منجر به صدور رای گردیده برابر ماده ۳ قانون مزبور مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد تا هر کس نسبت به تصرفات مفروزه و مالکیت ایشان اعتراض داشته باشد از تاریخ انتشار نوبت اول این آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را مستقیما به اداره ثبت اسناد و املاک اهواز تسلیم و رسید دریافت نمایند و معترض مکلف است ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست به مقامات قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست اخذ و به اداره ثبت محل تحویل نمایند. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در موعد مقرر اداره ثبت برابر مقررات اقدام به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

تاریخ انتشار نوبت اول ۹۶/۵/۹ تاریخ انتشار نوبت دوم ۹۶/۵/۲۵

کفیل اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو اهواز– نصرت‌الله

۵/۱۵۳۰ م‌الف

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان بهبهان

برابر رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۷۰۰۷۰۰۲۲۰۹ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان بهبهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی: آقای اسداله مسیح‌پور فرزند محمد بشناسنامه شماره ۹ صادره از گچساران بشماره ملی ۴۲۶۹۴۱۸۹۸۲ در ششدانگ یک باب ساختمان بمساحت ۱۱۹/۷۷ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۵۲۰ اصلی واقع در بخش یک بهبهان خریداری از مالک رسمی آقای/خانم در ذیل آگهی محرز گردیده است. لذا مراتب به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۵/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۶/۵/۲۵

* حسین و حمداله و فرج‌اله و سیف‌اله و خیراله و رقیه و نصرت همگی کمالی‌مقدم ورثه محمدهاشم

کاظمی – رئیس ثبت بهبهان

آگهی مزایده عمومی فروش دام مازاد

شرکت کشت و صنعت بازوی کشاورز کرمانشاه(سهامی خاص) در نظر دارد تعداد ۳۱۹ راس دام سبک مازاد(۲۲۱ راس میش، ۲۴ راس قوچ و ۷۴ راس بره) دامداری خود را واقع در استان ایلام- شهرستان آبدانان- بخش کلات مورموری- طرح کلات از طریق مزایده عمومی به صورت نقدی به فروش برساند. متقاضیان می‌توانند جهت بازدید و شرکت در مزایده، از تاریخ انتشار آگهی به مدت ۱۰ روز، به محل دامپروری کلات مورموری به آدرس فوق مراجعه و قیمت پیشنهادی خود را به آدرس‌های ذیل تسلیم نمایند. شرکت در رد یا قبول هر یک یا تمام پیشنهادها بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار است.

۱- کرمانشاه- اسلام‌آباد غرب- کیلومتر ۲۵ جاده گیلانغرب- شهر سرمست- کیلومتر ۷ جاده باسکله- گاوداری کمیته امداد تلفن: ۰۸۳۴۳۳۲۸۲۷۴
۲- ایلام- شهرستان آبدانان- بخش کلات مورموری- طرح کلات تلفن: ۰۸۴۵۸۶۳۲۳۰۳ – ۰۹۱۸۱۴۱۳۷۰۸

امور بازرگانی شرکت کشت و صنعت بازوی کشاورز

سند مالکیت (برگ سبز) خودروی پراید ۱۴۱ آی به شماره انتظامی ۹۶۷ د ۷۹ ایران ۶۳ مدل ۱۳۸۵ رنگ نقره‌ای- متالیک شماره موتور ۱۶۵۲۱۱۷ شماره شاسی S۱۴۸۲۲۸۵۱۷۳۷۵۱ به مالکیت عفت شناور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) خودرو سمند به شماره انتظامی ۴۶۵ س ۷۶ ایران ۴۴ مدل ۱۳۸۶ رنگ نقره‌ای – متالیک شماره موتور ۱۲۴۸۶۰۶۶۹۰۲ شماره شاسی ۷۰۳۹۰۴۵۳ به مالکیت وحید عبدالهی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

نظر به اینکه در اجرای قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۶۴۴–۱۳۹۶ مورخ ۹۶/۲/۲۶ تصرفات آقای داود زبیدی شماره شناسنامه ۸۹۹ صادره از رامهرمز فرزند لفیطه دارای کد ملی شماره ۱۹۱۰۵۷۷۷۲۳ نسبت به یکباب ساختمان به مساحت ۲۲۳/۰۴ متر مربع در قسمتی از ششدانگ پلاک ۲۶۹۲ تا ۲۶۹۴ واقع در بخش دو اهواز اخبار خروجی بنام سیدکمال احمدزاده و سیدجلال احمدزاده منجر به صدور رای گردیده برابر ماده ۳ قانون مزبور مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد تا هرکس نسبت به تصرفات مفروزه و مالکیت ایشان اعتراض داشته باشد از تاریخ انتشار نوبت اول این آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را مستقیما به اداره ثبت اسناد و املاک اهواز تسلیم و رسید دریافت نمایند و معترض مکلف است ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست به مقامات قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست اخذ و به اداره ثبت محل تحویل نمایند. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در موعد مقرر اداره ثبت برابر مقررات اقدام بصدور سند مالکیت خواهد نمود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۵/۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۶/۵/۲۵

کفیل اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو اهواز
نصرت‌الله

۵/۱۵۳۲ م /الف

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان بهبهان

برابر رأی شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۷۰۰۷۰۰۲۲۴۱ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان بهبهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی: خانم مریم تقوی‌پورلیر فرزند ابراهیم بشناسنامه شماره ۱۸ صادره از بهبهان بشماره ملی ۱۸۶۱۵۴۵۰۸۸ در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۲۴۹ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۶۶۴ اصلی واقع در بخش یک بهبهان خریداری از مالک رسمی خانم فاطمه انباز محرز گردیده است. لذا مراتب به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۵/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۶/۵/۲۵

کاظمی– رئیس ثبت بهبهان

رونوشت آگهی حصر وراثت

خانم لیلا دودانگه دارای شماره ملی ۵۰۹۹۵۵۰۰۹۶ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۶۰۹۹۸۲۸۹۰۱۰۰۱۹۵ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان محمدعلی دودانگه به شماره ملی ۵۰۹۹۵۰۲۷۰۹ در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۶ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- نجفعلی دودانگه دارای ش.ش ۵ پسر متوفی ۲- مجید دودانگه دارای ش.ش ۲ پسر متوفی ۳- قاسم دودانگه دارای ش.ش ۵۲۳ پسر متوفی ۴- فاطمه دودانگه دارای ش.ش ۳۸۶ دختر متوفی ۵- لیلا دودانگه دارای ش.ش ۵۸ دختر متوفی ۶- مریم دودانگه دارای ش.ش ۲۲ دختر متوفی ۷- زهرا دودانگه دارای ش.ش ۳ همسر متوفی.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.

قاضی شعبه دوم شورای حل اختلاف شهر بوئین‌زهرا

حصر وراثت

خواهان رونوشت حصر وراثت راضیه نورمند چالشتری فرزند مشهدی علی با وکالت از آقای حمیدرضا کاظمیان فرزند وسعت‌اله به شرح دادخواست تقدیمی ثبت شده به کلاسه ۹۶۰۹۹۸۳۸۴۴۵۰۰۲۵۵ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان مرحوم مشهدی علی نورمند چالشتری فرزند مرحوم عباس در اقامتگاه دائمی خود بدرود حیات گفته و ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱- حسین نورمند چالشتری فرزند مشهدی علی متولد ۱۳۰۶ ش‌ش ۱۴۷ (فرزند)
۲- سکینه نورمند چالشتری فرزند مشهدی علی متولد ۱۲۹۷ ش‌ش ۱۴۴ (فرزند)
۳- بتول نورمند چالشتری فرزند مشهدی علی متولد ۱۳۳۰ ش‌ش ۱۴۵ (فرزند)
۴- نبات نورمند چالشتری فرزند مشهدی علی متولد ۱۳۰۲ ش‌ش ۱۴۶ (فرزند)
۵- نازنین نورمند چالشتری فرزند مشهدی علی متولد ۱۳۰۸ ش‌ش ۱۴۸ (فرزند)
۶- راضیه نورمند چالشتری فرزند مشهدی علی متولد ۱۳۱۰ ش‌ش ۱۴۹ (فرزند)
۷- شهربانو حدادی چالشتری فرزند مشهدی علی متولد ۱۲۸۵ ش‌ش ۹۹۹ (فرزند)
۸- آمنه خانم درخشنده چالشتری فرزند مشهدی علی متولد ۱۲۸۹ ش‌ش ۵۸۴ (فرزند)

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور یک نوبت آگهی می‌گردد تا چنانچه شخصی اعتراضی دارد و یا وصیت‌نامه‌ای از متوفی نزد او می‌باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف مدت یک ماه به این دادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.

رئیس شورای حل اختلاف شماره ۵ شهرستان شهرکرد – رحمان آماده
شهرکرد – خیابان کاشانی – دادگستری شهرستان
شهرکرد – مجتمع شوراهای حل اختلاف شهرکرد

شماره دادنامه: ۹۶۰۹۹۷۶۱۹۵۰۰۰۲۹۳
شماره پرونده: ۹۵۰۹۹۸۶۱۹۵۰۰۰۴۰۶
شماره بایگانی شعبه: ۹۵۰۴۲۷

دادنامه

پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۶۱۹۵۰۰۰۴۰۶ شعبه ۱۷ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان اهواز تصمیم نهایی شماره

خواهان: آقای علی علی‌پورسعیدی فرزند عبدالجبار با وکالت آقای مجید مروانی فرزند شناوه به نشانی اهواز- خ نادری شرقی- خ قنادان‌زاده شمالی- مجتمع پزشکی اهواز- طبقه سوم واحد روبرو ۰۹۱۶۳۰۳۹۴۸۶

خوانده: آقای جابر انتصار سواری فرزند رمضان به نشانی اهواز- کوی علوی- خ ۱۲ متری ارشاد پ ۵۷

خواسته‌ها: ۱- مطالبه خسارت دادرسی ۲- مطالبه خسارت تاخیر تادیه ۳- مطالبه وجه بابت...

رای دادگاه

در خصوص دادخواست خواهان آقای علی علی‌پورسعیدی با وکالت آقای مجید مروانی به طرفیت خوانده آقای جابر انتصار سواری به خواسته: «مطالبه وجه به مبلغ ۲۳۷۷۴۱۶۷۵۰ ریال به انضمام خسارات دادرسی و تاخیر در تادیه» بدین شرح که وکیل محترم خواهان بیان نموده‌اند: «موکل اینجانب بموجب صورتحساب تفصیلی که مصدق آن پیوست دادخواست می‌باشد بابت ارائه خدمات فروش مرغ زنده تحویل جوجه یک روزه و غیره مبلغ فوق‌الذکر از خوانده بستانکار می‌باشد» به شرح خواسته تقاضای رسیدگی نموده است. خوانده نیز با وصف ابلاغ نسبت به دعوای مطروحه دفاعی بعمل نیاورده است لهذا دادگاه با عنایت به اینکه شهود خواهان که اظهارات آنها با رعایت تشریفات شرعی و قانونی استماع شده است میزان دیون خوانده به خواهان را به میزان فوق‌الذکر و همچنین عدم پرداخت آن را گواهی نموده‌اند خوانده نیز دلیلی مبنی بر برائت ذمه خود ارائه ننموده است. لذا خواسته خواهان را قابل اجابت دانسته و به استناد مواد ۱۲۵۷ و ۱۲۵۸ قانون مدنی و مواد ۵۱۵، ۵۱۹ و ۵۲۲ همگی از قانون آیین دادرسی مدنی حکم به الزام خوانده به پرداخت اصل مبلغ خواسته، هزینه دادرسی و نشر آگهی، حق‌الوکاله وکیل طبق تعرفه و خسارات تاخیر در تادیه از تاریخ تقدیم دادخواست در حق خواهان صادر و اعلام می‌نماید رای صادره غیابی است و ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل واخواهی در همین شعبه و سپس در صورت عدم واخواهی و انقضا این مدت ظرف مهلت بیست روز دیگر قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان است.

رئیس شعبه هفدهم دادگاه حقوقی اهواز– مهدی رضاصادقی

نشانی: استان خوزستان- شهرستان اهواز- انتهای عامری- اول نیوساید- مجتمع قضایی شهید تندگویان(انرژی)

شماره ۲/۹۵/۲۷۰/۳۸۲۶ **مورخ ۱۳۹۶/۵/۸**

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰ بخش ده حوزه ثبتی شهرستان بروجن

نظر به دستور ماده یک و سه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه قانون فوق الذکر املاکی که در هیات مندرج در قانون مذکور مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بروجن مورد رسیدگی و رای آن صادرشده است جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد.

ابنیه و املاک واقع در اراضی قریه خانی آباد پلاک ۹۲- اصلی و فرعی زیر

۸۲فرعی- خانم شمایل مرادی گوزلکی نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ یک درب باغ مشجرباحق استفاده ازچشمه شیرکشته برطبق قانون توزیع عادلانه آبها به مساحت ۳۳۶۷۶/۰۵ متر مربع خریداری معالواسطه محمدمرادی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۸۲فرعی- آقای امید مرادی نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ یک درب باغ مشجر با حق استفاده ازچشمه شیرکشته برطبق قانون توزیع عادلانه آبها به مساحت ۳۳۶۷۶/۰۵ متر مربع خریداری معالواسطه محمدمرادی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۸۲فرعی- آقای حمید مرادی نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ یک درب باغ مشجرباحق استفاده ازچشمه شیرکشته برطبق قانون توزیع عادلانه آبها به مساحت ۳۳۶۷۶/۰۵ متر مربع خریداری معالواسطه محمدمرادی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

ابنیه و املاک واقع در اراضی دهکده نقنه پلاک ۱۷۶- اصلی و فرعی های زیر

۳۶۶مجزی از۱۳۲فرعی- خانم ستاره شیرمحمدی فرادنبه ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۱۱۷/۳۱ متر مربع خریداری معالواسطه یداله آقابابایی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

ابنیه و املاک واقع در اراضی مزرعه چشمه سفید پلاک ۱۷۹- اصلی و فرعی های زیر

۳۰۲۱- فرعی خانم لیلی جمالی نسبت به دودانگ مشاع ازششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۷۹/۰۵ متر مربع خریداری معالواسطه منوچهرطاهرزاده از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۳۰۲۱- فرعی آقای نعمت الله آقابابایی نسبت به چهاردانگ مشاع ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۷۹/۰۵ متر مربع خریداری معالواسطه منوچهرطاهرزاده از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

ابنیه و املاک واقع در اراضی مزرعه عطاکله پلاک ۱۸۱- اصلی و فرعی های زیر

۱۴۵۲- فرعی آقای نصراله اسکندری جغدانی نسبت به چهاردانگ مشاع ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۱۳۴/۲۰ متر مربع خریداری معالواسطه محمدصادق محمدصادقی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۱۴۵۲- فرعی خانم اشرف رفیعی فرادنبه نسبت به دودانگ مشاع ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۱۳۴/۲۰ متر مربع خریداری معالواسطه محمدصادق محمدصادقی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

ابنیه واملاک واقع در اراضی مزرعه اردوبار پلاک ۱۸۲ –اصلی و فرعی های زیر

۱۵۸۷- فرعی آقای عزت اله خوش نیت ششدانگ یکباب مغازه به مساحت ۵۴/۱۱ متر مربع خریداری معالواسطه حجت اله خلیل زاده از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۴۱۷۷- فرعی آقای جعفرجهانبخش ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۷۵/۰۸ متر مربع خریداری معالواسطه بهمن خسروی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۴۶۲۱ – فرعی خانم زیبا راستیان ششدانگ یکباب مغازه به مساحت ۲۱ متر مربع خریداری معالواسطه بهادرصادقی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۴۶۲۵- فرعی آقای علی عابدی ششدانگ یکباب مغازه به مساحت ۲۰/۴۴ متر مربع خریداری معالواسطه بهادرصادقی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۴۶۵۲- فرعی خانم زیبا راستیان ششدانگ یکباب مغازه به مساحت ۲۲/۵۴ متر مربع خریداری معالواسطه بهادرصادقی از مالکین رسمی پلاک مرقوم

۴۶۶۰- فرعی خانم مهین جائی ششدانگ یکباب انباری ویک قطعه زمین محصور متصله به مساحت ۱۶۶/۳۵ متر مربع خریداری معالواسطه پریدخت سلیمان پور از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

ابنیه واملاک واقع در اراضی مزرعه اسد آباد سفیددشت پلاک ۴۹۵- اصلی و فرعی زیر

۱۶فرعی آقای اصغرباقری سفیددشتی ششدانگ یکباب ساختمان پرواربندی گوساله به مساحت ۲۴۰۴/۴۰ متر مربع خریداری معالواسطه بختیارنبردی از مالکین رسمی پلاک مرقوم مجزی از۱۰فرعی.

ابنیه واملاک واقع در اراضی حسین‌آباد سفیددشت پلاک ۴۹۷- اصلی و فرعی زیر

۲۲۹ - فرعی خانم عفت بهی سفیددشتی سه دانگ مشاع از ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۸۲/۸۴ متر مربع خریداری معالواسطه قدرت الله نفر از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۲۲۹ - فرعی آقای الله یاررامش جان سه دانگ مشاع از ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۸۲/۸۴ متر مربع خریداری معالواسطه قدرت الله نفر از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۳۵۵ - فرعی آقای مسلم زندیان سفیددشتی ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۱۸۵/۹۵ متر مربع خریداری معالواسطه علمدارمعصومی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۴۶۹ - فرعی آقای حمزه علی کبیری ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۰۳/۴۴ متر مربع خریداری معالواسطه رجب طهماسبی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۴۸۱ - فرعی آقای مهراب زندیان سفیددشتی ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۱۳۰/۳۲ متر مربع خریداری معالواسطه کریم کریمی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۵۲۱ - فرعی آقای عباس صادقی سفیددشتی ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۱۸۹/۸۶ متر مربع خریداری معالواسطه جعفرقلی صادقی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۵۶۴ - فرعی آقای محمدکریمی سفیددشتی سه دانگ مشاع از ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۲۰/۷۵ متر مربع خریداری معالواسطه کریم کریمی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۵۶۴ - فرعی خانم نجمه چهرازی سفیددشتی سه دانگ مشاع از ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۲۰/۷۵ متر مربع خریداری معالواسطه کریم کریمی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۶۵۲- فرعی آقای باقرآذرمنش ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۶۳۵/۸۰ متر مربع خریداری معالواسطه اسماعیل چهرازی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۷۳۴ - فرعی آقای امیرجعفری سفیددشتی ششدانگ یکبابخانه به مساحت۲۳۳ متر مربع خریداری معالواسطه خانم گل رفیعی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

ابنیه واملاک واقع در اراضی جعفر آباد سفیددشت پلاک ۵۰۱- اصلی و فرعی زیر

۱۸۱ - فرعی آقای سعید شبانی سفیددشتی ششدانگ یکبابخانه به مساحت۴۴۹ متر مربع خریداری معالواسطه ابراهیم نورائی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

ابنیه واملاک واقع در اراضی قریه فرادنبه پلاک ۵۰۵- اصلی و فرعی های زیر

۳۶۳–فرعی آقای نادعلی شیرانی فرادنبه ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۱۲/۲۲ متر مربع خریداری معالواسطه یداله شیرانی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۴۵۳–فرعی آقای سید هاشم حسینی فرادنبه چهاردانگ مشاع ازششدانگ یکبابخانه به مساحت ۳۵۶/۵۱ متر مربع خریداری معالواسطه شهرداری فرادنبه از مالکین رسمی پلاک مرقوم

۴۵۳–فرعی خانم شهربانو رمضانی بلداجی دودانگ مشاع ازششدانگ یکبابخانه به مساحت ۳۵۶/۵۱ متر مربع خریداری معالواسطه شهرداری فرادنبه از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۵۰۴ - فرعی آقای مصطفی پاریار یک دانگ ونیم مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۴۲۳/۹۸ مترمربع خریداری معالواسطه جعفرقلی علیخانی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۸۳۶–فرعی آقای سید عبداله حسینی فرادنبه ششدانگ یکبابخانه نیمه ساز به مساحت ۲۲۵/۹۷ متر مربع خریداری معالواسطه ابوالقاسم حسینی از مالکین رسمی پلاک مرقوم

۸۳۸ – فرعی آقای سید سراج حسینی فرادنبه ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۱۹۳/۵۰ مترمربع خریداری معالواسطه سیدعلی محمدحسینی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

ابنیه واملاک واقع در اراضی مزرعه کریم آباد پلاک ۵۲۹ – اصلی و فرعی های زیر

۵۳۳- فرعی خانم طاهره علیخانی ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۱۵۷/۸۰ مترمربع خریداری معالواسطه مرتضی علایی از مالکین رسمی پلاک مرقوم که درآگهی قبلی نام متقاضی اشتباها طاهری چاپ ومنتشر شده است.

۵۶۸- فرعی آقای ولی الله زمانی فرادنبه ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۰۸/۸۰ مترمربع خریداری معالواسطه نوراله ربیعی ومرتضی علایی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۵۹۶- فرعی آقای بهنام فتاحی فرادنبه ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۳۱۳ مترمربع خریداری معالواسطه ابوالحسن شیرانی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

ابنیه واملاک واقع در اراضی مزرعه قنداب علیا پلاک ۵۳۰ – اصلی و فرعی های زیر

۱۰۴- فرعی آقای ولی الله علوی فرادنبه ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۱۷۱/۲۷ مترمربع خریداری معالواسطه سید ابوتراب حسینی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

ابنیه و املاک واقع در اراضی مزرعه قنداب سفلی پلاک ۵۳۱ – اصلی و فرعی‌های زیر

۳۷۹- فرعی آقای علی اکبرابراهیمیان فرادنبه ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۰۰/۲۴ مترمربع خریداری معالواسطه کریم آقاضرغامی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

ابنیه و املاک واقع در اراضی دهکده بروجن پلاک ۵۳۳ اصلی و فرعی زیر

۱۴۳۵ فرعی مجزی از۷۰۴ فرعی آقای مجید خیراندیش بروجنی نسبت به ۷۰ حبه و هیجده یکصدوپنجاه و سوم حبه مشاع از۷۲حبه ششدانگ یک دهنه مغازه به مساحت ۹/۲۶ متر مربع مالکیت مشاعی متقاضی ازپلاک مذکور.

۵۴۳۶ فرعی مجزی از۶۶۸فرعی آقای محمدحسین علیخانی فرادنبه سه دانگ مشاع ازششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۴۴/۸۶ متر مربع خریداری معالواسطه از نجفقلی الهیان از مالکین پلاک مرقوم.

۵۴۳۶ فرعی مجزی از۶۶۸فرعی آقای علی اصغر علیخانی فرادنبه سه دانگ مشاع ازششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۴۴/۸۶ متر مربع خریداری معالواسطه از نجفقلی الهیان از مالکین پلاک مرقوم

ابنیه و املاک واقع دراراضی قریه بروجن پلاک ۵۳۴ اصلی و فرعی زیر

۹۱۰- فرعی دولت جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی آموزش وپرورش ششدانگ یکباب ساختمان آموزشی به مساحت ۲۹۸۳/۴۳ مترمربع خریداری معالواسطه ازشهرداری بروجن از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۹۳۸ – فرعی آقای عباس رجبی بروجنی ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۲۴/۷۲مترمربع خریداری معالواسطه ازامیرهوشنگ معتمدی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

ابنیه و املاک واقع دراراضی مزرعه حسن آباد بروجن پلاک ۵۳۶ –اصلی و فرعی زیر

۹۳۸ – فرعی آقای احمدرضازارعی بروجنی ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۴۳/۵۴ متر مربع خریداری معالواسطه قنبرعلی نیلیه وحاج فتح اله صابریان از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۹۳۹ – فرعی آقای احمدرضازارعی بروجنی ششدانگ یکبابخانه به مساحت۴۰ متر مربع خریداری معالواسطه قنبرعلی نیلیه و حاج فتح اله صابریان از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

ابنیه و املاک واقع دراراضی مزرعه خوگنای سفلی پلاک ۵۳۸ –اصلی و فرعی زیر

۸۳۱– فرعی آقای مهدی گودرزیان بروجنی ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۹۴/۱۵ متر مربع خریداری معالواسطه ابوالقاسم شبانیان از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

ابنیه و املاک واقع دراراضی مزرعه خوگنای علیا پلاک ۵۴۴ -اصلی و فرعی زیر

۲۶۴۱ فرعی آقای هادی کریمی زاده ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۳۵۰/۷۴ متر مربع خریداری معالواسطه امیرحسین معتمدی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

ابنیه و املاک واقع در اراضی مزرعه سیاسرد پلاک ۵۵۰- اصلی و فرعی زیر

۵۶۴ – فرعی آقای غلامعلی پیروزه بروجنی ششدانگ یکبابخانه نیمه سازبه مساحت ۱۳۷/۳۰ متر مربع خریداری معالواسطه مظفر عباسی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

ابنیه و املاک واقع در اراضی قریه بلداجی پلاک ۵۶۱- اصلی و فرعی‌های زیر

۲۰۲۷- فرعی خانم اعظم خدارحمی بلداجی ششدانگ یکبابخانه به مساحت۲۵۱ مترمربع خریداری معالواسطه شیر علی خدارحمی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۲۱۷۷- فرعی آقای اسحق کارگر بلداجی ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۴۶۱/۱۰ مترمربع خریداری معالواسطه اسماعیل خان بختیار از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۲۴۴۳- فرعی آقای عبدالرضاباقری ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۳۰۰/۷۸ مترمربع خریداری معالواسطه اسداله نادری از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۳۱۷۲- فرعی آقای فرزاد الاسوند ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۷۲/۵۱ مترمربع خریداری معالواسطه اسماعیل طهماسبی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۳۳۴۵- فرعی آقای علی حاتمی ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۷۶/۸۴ مترمربع خریداری معالواسطه علی قلی طهماسبی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۳۳۴۶- فرعی آقای شهاب حاتمی ششدانگ یکباب انباری به مساحت ۲۹۴/۶۶ مترمربع خریداری معالواسطه علی قلی طهماسبی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۳۶۰۲- فرعی آقای علیمرادبراتی بلداجی ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۲۱/۱۲ مترمربع خریداری معالواسطه علی اکبر طهماسبی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۳۶۸۱- فرعی آقای قبادمردانی بلداجی سه دانگ مشاع از ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۷۳۲/۹۵ مترمربع خریداری معالواسطه علی فتح طهماسبی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۳۶۸۱- فرعی آقای محمدمردانی بلداجی سه دانگ مشاع از ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۷۳۲/۹۵ مترمربع خریداری معالواسطه علی فتح طهماسبی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۳۷۰۷- فرعی خانم طاوس نادری بلداجی ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۳۵۴/۶۲ مترمربع خریداری معالواسطه علمدارخاکساراز مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۳۷۳۰- فرعی خانم گل پری مقیمی بلداجی ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۳۱۶/۷۱ مترمربع خریداری معالواسطه جانعلی مقیمی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۳۸۲۲- فرعی آقای مسعودبراتی بلداجی ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۸۸/۰۴ مترمربع خریداری معالواسطه براتعلی براتی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۳۹۴۴- فرعی آقای حامدرفیعی زاده ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۵۱/۴۸ مترمربع خریداری معالواسطه حیدراسپیدکار از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۴۶۶۷- فرعی آقای حسینعلی نظری بلداجی ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۹۹/۳۲ مترمربع خریداری معالواسطه علی فتح رفیعی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۴۷۸۷- فرعی آقای اسحق کارگر بلداجی ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۱۴/۸۷ مترمربع خریداری معالواسطه اسماعیل خان بختیار از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۴۷۸۸- فرعی آقای اسحق کارگر بلداجی ششدانگ یکباب انباری و طویله به مساحت ۳۳۹/۷۳ مترمربع خریداری معالواسطه اسماعیل خان بختیار از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۴۸۱۶- فرعی آقای الخاس بلداجی ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۹۵/۲۶ مترمربع خریداری معالواسطه براتعلی رفیعی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۴۸۵۸- فرعی آقای عباس آقابیگی بلداجی ششدانگ یکباب ساختمان نیمه ساز به مساحت ۲۱۷/۱۳ مترمربع خریداری معالواسطه اسماعیل خان اشرف بختیار از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۴۸۶۴- فرعی آقای محمودساسانی ششدانگ یکبابخانه نیمه‌ساز به مساحت ۲۹۶/۷۱ مترمربع خریداری معالواسطه ذوالفعلی طهماسبی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۴۸۶۶- فرعی آقای رضاحاتمی بلداجی ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۴۵۶/۵۰ مترمربع خریداری معالواسطه میرزاعلی حاتمی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۴۸۶۷- فرعی آقای مهدی حاتمی بلداجی ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۲۶/۵۰ مترمربع خریداری معالواسطه میرزاعلی حاتمی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۴۸۷۷- فرعی آقای مهران سلطانی بلداجی ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۳۲۰/۲ مترمربع خریداری معالواسطه سهراب رحمانی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۴۸۸۰- فرعی آقای رحمت اله صفیان بلداجی ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۴۴/۶۶ مترمربع خریداری معالواسطه صفرعلی صفیان از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۴۸۸۶ - فرعی آقای جمشید طهماسبی‌نیا ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۳۶۶/۵۷ مترمربع خریداری معالواسطه قهرمان طهماسبی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۴۸۸۷- فرعی آقای علی‌یار طهماسبی‌نیا ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۱۸۹/۶ مترمربع خریداری معالواسطه محمدمرادرفیعی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

۴۸۸۸- فرعی آقای احسان خاکسار بلداجی ششدانگ یکبابخانه نیمه‌ساز به مساحت ۲۹۵/۲۰ مترمربع خریداری معالواسطه بهبودرفیعی از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

ابنیه و املاک واقع در جنوب شهر بروجن پلاک ۱۲۵۳- اصلی و فرعی‌های زیر

۵۸۷- فرعی خانم صفیه باباخانی پوربروجنی ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۱۰۵/۲۰ متر مربع خریداری معالواسطه شهرداری بروجن از مالکین رسمی پلاک مرقوم.

به موجب ماده۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی این اگهی نسبت به املاک فوق‌الذکر در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز ازطریق روزنامه کثیرالانتشار و محلی آگهی و درصورتی که اشخاص ذی نفع به آرای صادره اعتراضی داشته باشند از تاریخ انتشار آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود رابه اداره ثبت اسناد محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است.درصورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت اسناد محل باید مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید. صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست

نوبت اول مورخ ۱۰ /۱۳۹۶/۰۵ نوبت دوم مورخ۱۳۹۶/۰۵/۲۵

رئیس اداره ثبت اسنادواملاک شهرستان بروجن – علی اکبرباقری

اطلاعیه

به اطلاع تمامی متقاضیانی که در اجرای قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی نسبت به ثبت نام اینترنتی تقاضای ثبت ملک خود در شهرستان بروجن در سال‌های۹۱ لغایت ۹۵ اقدام نموده وتاکنون جهت پیگیری تقاضای خود به اداره ثبت اسنادواملاک بروجن مراجعه ننموده‌اند می رساند که ظرف مهلت ۲ماه آینده نسبت به پیگیری تقاضای خود اقدام نمایند.در صورت عدم مراجعه برابر مقررات، پرونده آنان مختومه خواهد شد.